

بازشناسی مفهوم هدایت در قرآن

امین فتحی*

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۳

چکیده

در موضوع هدایت با عبارتها و عناوین مشابه و نزدیک به هم کار تحقیقی فراوانی انجام گرفته است، اما به علت گستردگی دامنه موضوع و با توجه به ظرفیت بسیار بالای قرآن کریم در استنباط معارف مورد نیاز بشری، هنوز قطره‌ای از اقیانوس بیکران کتاب الهی در معرض مطالعه علاقه‌مندان به معارف و حیانی قرار نگرفته است. این مقاله ضمن اشاره کلی به موضوع هدایت در قرآن، در صدد مفهوم‌شناسی هدایت به روش تدبر در آیات الهی است. در این مفهوم‌شناسی علاوه بر معنای لغوی واژه، حد اقل به پنج موضوع متعلقات، اسباب و آثار هدایت، ویژگی مهتدین و وضعیت قبل از هدایت نیز توجه شده است.

کلیدواژگان: هدایت در قرآن، تدبر در آیات، مهتدین، اسباب و آثار هدایت، متعلق هدایت.

مقدمه

هدایت از اصلی‌ترین مفاهیم زندگی به‌خصوص در اهداف و شیوه حیات بشری است. در این موضوع با عبارت‌ها و عناوین مشابه و نزدیک به هم کار تحقیقی فراوانی انجام گرفته است، اما به علت گستردگی دامنه موضوع و مباحث متعدد معرفتی، کلامی و اخلاقی فراوانی که بر آن متفرع می‌شود؛ و نیز موضوعیت هدایت انسان در ارسال رسولان و انزال کتاب‌های آسمانی و با توجه به ظرفیت بسیار بالای قرآن کریم در استنباط معارف مورد نیاز بشری، کار پژوهشی زیادی در اقیانوس بیکران کتاب الهی لازم می‌باشد تا در معرض مطالعه علاقه‌مندان به معارف و حیانی قرار بگیرد.

یکی از شیوه‌های مطالعه در قرآن کریم و آیات الهی تدبر می‌باشد. "تدبر" به معنای «با اندیشه پی‌کاری رفتن و تأمل در آیه پس از آیه دیگر است» (تاج‌دینی، ۱۳۸۱: ۱۳۴). جهت "مفهوم‌شناسی هدایت" به سراغ واژه "هدی" رفتیم و بر اساس شمارشی که از روی کتاب «المعجم المفهرس» انجام گرفت، مشخص شد که ماده "هدی" ۳۰۷ بار در قرآن استعمال شده است، از این تعداد ۸۵ بار به لفظ "هدی"، ۲۸ بار به شکل اسم و بقیه به صورت فعل آمده و لفظ "هدایت" نیامده است.

روش تحقیق

روش کار در این تحقیق، به شیوه تدبر در آیات قرآنی بوده بدین صورت که همه آیاتی که ماده "هدی" در آن به کار رفته استخراج، دسته‌بندی و بارها مرور شده است و جهت رسیدن به معنای مقصود، گستره مفهومی به کار رفته در آیات در قالب پنج موضوع بررسی شده است و در بحث کلی و تفسیری نیز به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

پیشینه بحث

در موضوع هدایت، کتاب‌ها، پژوهش‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات زیادی نوشته شده است. کتب ارزشمند تفسیری به ویژه تفسیرهای موضوعی قرآن از جمله «هدایت در قرآن»/ استاد جوادی آملی، «پیام قرآن» آیت الله مکارم شیرازی، «منشور جاوید» آیت الله سبحانی و سلسله مباحث

تفسیر قیم «المیزان» ذیل آیات مربوط به هدایت و مقالات پرمایه در مجلات علمی پژوهشی ویژه تفسیر و علوم قرآنی.

هدایت در قرآن

واژه "هدایت" (راهیابی) از ماده هدی، در لغت به معنای راهنمایی کردن، نشان دادن راه و در قرآن به معنای هدایت الهی، دلالت و آشکارکردن و ارشاد و راهنمایی کردن آمده است (سجادی و هادی فر، ۱۳۹۱: ۱۲۶) و "اهتداء" یعنی هدایت یافتن و قبول هدایت (قرشی، ۱۳۸۷: ۱۴۵/۷)؛ و در اصطلاح عبارت است از تعیین کمال مناسب یک شیء و راه رسیده به آن؛ پس هر موجودی که کمال او عین ذاتش نیست به هدایت نیازمند است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۵).
با مروری بر آیات قرآن کریم در می‌یابیم که هادی فقط خداست و هدایت اصلی، هدایت الهی بوده:

﴿ان الهدی هدی الله﴾ (آل عمران / ۷۳)

و هدایت استقلالی مال اوست:

﴿لیس علیک هدایهم ولکن الله یهدی من یشاء﴾ (بقره / ۲۷۲)

و هدایت واسطه‌ای نیز به پیامبران و رسولان الهی (۹۰/انعام)، کتب آسمانی (۱۸۵/بقره) و بیت الله (۹۶/آل عمران) اطلاق شده است. با این بیان که اصل هدایت از طرف خدا بوده (۲۳/نجم) و رسولان آن را می‌آورند:

﴿... ربی اعلم بمن جاء بالهدی من عنده...﴾ (قصص / ۳۷)

و کتاب نیز برای همه نازل شده است:

﴿هدی للناس﴾ (بقره / ۱۸۵)

و همه می‌توانند از این نعمت گسترده الهی بهره‌مند شوند (۴۱/زمر). در این هدایت پیامبران وظیفه ابلاغ را به صورت "بلاغ مبین" دارند (۲۰/آل عمران و ۵۴/نور). در قرآن کریم هدایت برای انسان اختیاری بوده:

﴿انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا﴾ (انسان / ۳)

و مشیت الهی بر هدایت جبری قرار نگرفته است:

﴿... ولو شاء الله لجمعهم على الهدى...﴾ (انعام / ۳۵)

«معنای «یهدی من یشاء» و «یضل من یشاء» نیز یعنی «خداوند هر کس را که بخواهد، به واسطه خوب اختیار کردن خود او، هدایت می‌کند و هر کس را که بخواهد، به واسطه بد اختیار کردن خود او، گمراه می‌کند» (مستشاری، ۱۳۸۸: ۱۷۳/۲).

هدایت در قرآن به نفس و قلب انسان نسبت داده شده است:

﴿ولو شئنا لآتینا كل نفس هدیها...﴾ (سجده/۱۳)

﴿... ومن یومن بالله یهد قلبه...﴾

و دارای مراتب بوده و مراحل آن نسبی است:

﴿ووجدك ضالاً فهدی﴾ (ضحی/۷)

خداوند هدایت‌اش را بر همه عرضه می‌کند اما برخی شاکرانه برخورد کرده و برخی ناسپاسی می‌کنند (۳/انسان)، بعضی به شکرانه هدایت پذیری، هدایت‌شان افزون می‌شود:

﴿والذین اهتدوا زادهم هدی...﴾ (محمد/۱۷)

و بعضی اسباب هدایت را بشری گمان کرده و متکبرانه رفتار می‌نمایند (۶/تغابن) و کوردلی را بر "هدی" ترجیح می‌دهند (۱۷/فصلت). در کل، انسان‌های کمی از هدایت بهره‌مند می‌شوند:

﴿... فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسقون﴾ (حدید/۲۶)

در حالیکه قبول هدایت به نفع انسان بوده و بی‌اعتنایی به آن بر ضررش تمام می‌شود (۱۵/اسراء). هدایت در قرآن امر معنوی بوده و در معدودی از آیات کریمه، راهنمایی و هدایت ظاهری مطرح شده است، مانند ۴۱/نمل - ۱۵/نحل و ۹۷/انعام. خداوند با رحمت‌اش هدایت را بر خودش لازم دانسته:

﴿ان علینا للهدی﴾ (لیل / ۱۲)

و هدایت او کافی است:

﴿... و کفی بربک هادیا ونصیرا﴾ (فرقان / ۳۱)

"ضلال" (گمراهی) در مقابل هدایت به کار رفته (۱۶ و ۱۷۵/بقره)، و این ماده با همه استعمالات‌اش ۱۹۱ بار در قرآن آمده است. اضلال نیز به خدا:

﴿یضل به کثیرا ویهدی به کثیرا...﴾ (بقره/۲۶)

به شیطان:

﴿ولقد اضل منكم جبلا كثيرا...﴾ (یس/۶۲)

به هوای نفس:

﴿ولاتتبع الهوى فيضلك عن سبيل الله...﴾ (ص/۲۶)

و مجرمین و امثال آن:

﴿وما اضلنا الا المجرمون﴾ (شعراء/۹۹)

نسبت داده شده است.

در اضلال شیطان نیز دیدگاه‌ها و تعبیرهای متفاوتی وجود دارد:

الف) مصلحت

«در بحث فلسفه وجودی شیطان باید گفت وجود شیطانی که انسان را به شر و معصیت دعوت کند، از ارکان نظام بشری است و القانات‌اش مصالحی در بر دارد، زیرا انسان عموماً از این طریق آزمایش می‌شود. مطلب مهمی که باید در این خصوص بدان توجه کرد، این است که شیطان از آغاز خلقت‌اش مبعوض و به عنوان شیطان آفریده نشده بود، بلکه پس از تمرد و طغیان از امر الهی از درگاه رحمت حق رانده شد و خود را بدنام کرد و بدین جهت که همواره فساد و شرارت از او به وجود می‌آید، مشهور به شیطان گردید» (ممتحن و ترابی، ۱۳۹۱: ۱۲۴).

ب) مأموریت

«همان گونه که فرشتگان فرستادگان خداوندند و هر یک وظیفه خاصی دارند، شیاطین نیز مأموران الهی‌اند تا هر یک دستور خاص خود را امتثال کنند [...] نفوذ شیطان‌ها در انسان‌های مستعد کمال، جز در حد وسوسه و نیرنگ نیست و هیچ گونه سلطه و ولایتی به آنان ندارند [...] اما نسبت به انسانی که فریب وعده‌های باطل را خورده، دنبال آنان حرکت کند و کتاب الهی را پشت سر اندازد و جز دنیا به چیزی نیندیشد، شیاطین سرپرستی او را دارند و در نفوس آن‌ها تدبیر و در مجاری تفکر و نیروهای عملی آن‌ها دخالت می‌کنند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۸۶).

ج) مظهریت

«هیچ‌یک از فرشتگان و شیاطین در هدایت و اضلال بشر مستقل نیستند، بلکه مظهر هادی و مضل‌اند که این دو از اسمای حسنای خداوند است. بنابراین جز رسالت و وساطت تأثیر دیگری ندارند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۸۷). در هر حال کفه ضلالت به‌مانند هدایت نبوده و شیطان مأمور محض تعلیم‌دیده خدا نیست، چراکه در آن صورت معذور بوده و مسئولیتی متوجه او نخواهد بود در حالیکه شیطان از امر الهی سرپیچی نموده:

﴿ان الشيطان كان للرحمن عصياً﴾ (مریم/ ۴۴)

و فاسق شده است:

﴿فسق عن امر ربه...﴾ (کهف/ ۵۰)

و خداوند بدین سبب او را مذمت نموده و به او وعده آتش داده است:

﴿لاملان جهنم منك ومن تبعك...﴾ (ص/ ۸۵)

نهایت سخن اینکه خداوند شیطان را از مسیر اختیار خود در مقابل آدم و آدمیان قرار داده است. در قرآن ضلالت به طور مستقیم به خداوند نسبت داده نشده است، چراکه خداوند هیچ‌گاه ضلالت را برای بندگان خود اراده نمی‌کند.

«ضلالت فقدان هدایت است نه امری وجودی، هرگاه فردی با داشتن امکانات هدایت عمداً راه انحراف را بر مسیر مستقیم برگزیند آنگاه خداوند او را به کیفر تلخ گمراهی گرفتار می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۶۲). واژه ضلالت، متضمن نوعی تحیر و سرگردانی است و مراد منحرف شدن از راهی است که به مقصد منتهی می‌گردد. «ضال» به کسی گفته می‌شود که مقصود و مطلوب‌اش از او پنهان شده باشد و از راهی که به آن منتهی می‌شود منحرف گردیده است (امامی، ۱۳۸۰: ۷۸).

مفهوم‌شناسی هدایت

در مفهوم‌شناسی هدایت، علاوه بر معنای لغوی واژه و متضاد آن، حد اقل به پنج موضوع نیز باید توجه شود؛ متعلقات، اسباب و آثار هدایت، ویژگی مهتدین و وضعیت قبل از هدایت.

الف. متعلقات هدایت

«حق مطلب این است که معنای هدایت در آنجا که با حرف "إلى" مفعول دوم را بگیرد، و آنجا که بخودی خود بگیرد، متفاوت نمی‌شود، و به‌طور کلی این کلمه چه به معنای دلالت باشد، و چه به معنای رساندن به هدف، در گرفتن مفعول دوم محتاج به حرف إلى هست» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۵۶/۱)، گرچه به شکل مقدر.

به هر حال در قرآن کریم به غیر از مواردی که هدایت، مطلق (بدون متعلق) آمده است، متعلق هدایت با واژه‌ها و عبارتهای مختلفی ذکر شده، که اکثر آنها به مسیر هدایت و برخی از آن آیات به سنن هدایت الهی و بعضی نیز به هدف و مقصد هدایت قابل حمل است، مانند:

۱. صراط مستقیم ﴿...یهدی من یشاء الی صراط مستقیم﴾ (۱۴۲/بقره)
۲. صراط الحمید ﴿...والی صراط الحمید﴾ (۲۴/حج)
۳. صراط العزیز الحمید ﴿... ویهدی الی صراط العزیز الحمید﴾ (۶/سبا)
۴. صراط سوی ﴿... اهدک صراط سویا﴾ (۴۳/مریم)
۵. سواء الصراط ﴿... واهدنا الی سواء الصراط﴾ (۲۲/ص)
۶. سبیل ﴿انا هدیناه السبیل...﴾ (۳/انسان)
۷. سواء السبیل ﴿... ان یهدینی سواء السبیل﴾ (۲۲/قصص)
۸. سبیل ﴿... وقد هدانا سبیلنا...﴾ (۱۲/ابراهیم)
۹. سبیل سلام ﴿یهدی به الله من اتبع رضوانه سبیل السلام...﴾ (۱۶/مائده)
۱۰. سبیل رشاد ﴿... اتبعون اهدکم سبیل الرشاد﴾ (۳۸/غافر)
۱۱. آیین (آیینی که از همه آیین‌ها استوارتر و جامع‌تر است)، ﴿ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم...﴾ (۹/اسراء)
۱۲. طریق ﴿... ولا یهدیهم طریقا﴾ (۱۶۸/نساء)
۱۳. سنن ﴿... ویهدیکم سنن الذین من قبلکم...﴾ (۲۶/نساء)
۱۴. نجدین (راه خیر و شرّ)، ﴿وهدیناه النجدین﴾ (۱۰/بلد)
۱۵. حق ﴿قل الله یهدی للحق﴾ (۳۵/یونس)
۱۶. رب ﴿واهدیک الی ربک فتخشی﴾ (۱۹/نازعات)

۱۷. ایمان ﴿... ان هدیکم للایمان...﴾ (۱۷/حجرات)
۱۸. نور ﴿... یهدی الله لنوره من یشاء...﴾ (۳۵/نور)
۱۹. رشد ﴿یهدی الی الرشد...﴾ (۲/جن)
۲۰. از این نزدیکتر و بهتر ﴿... عسی ان یهدینی ربی لاقرب من هذارشد﴾ (۲۴/کهف)
۲۱. جنت ﴿... هدانا لهذا...﴾ (۴۳/اعراف)
۲۲. سخن پاک ﴿وهدوا الی الطیب من القول...﴾ (۲۴/حج)
۲۳. امر الهی ﴿وجعلناهم ائمه یهدون بامرنا...﴾ (۷۳/انبیاء)

ب. اسباب و زمینه‌های هدایت

«هدایت به معنی دلالت و نشان دادن مقصد است. این خود نیز یک نوع رساندن به مقصد می‌باشد. در هر حال هدایت فقط از ناحیه خداست. منتها کار خدا تهیه کردن وسیله‌ای است که مقصد را نشان دهد و در نتیجه بندگان را به آن برساند» (تاج‌دینی، ۱۳۸۱: ۵۸۷).

در قرآن کریم به اسباب، زمینه‌ها، سنت‌ها و راهکارهای هدایت در ۲۵ عنوان اشاره و یا تصریح شده است:

۱. کتاب و قرآن ﴿... هدی للناس...﴾ (۱۸۵/بقره)
۲. آمدن حق از طرف خدا ﴿قل جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی...﴾ (۱۰۸/یونس)
۳. وحی الهی ﴿... وان اهتدیت فبما یوحی الی ربی...﴾ (۵۰/سبا)
۴. شرح صدر ﴿فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام...﴾ (۱۲۵/انعام)
۵. اسلام ﴿فان اسلموا فقد اهتدوا...﴾ (۲۰/آل عمران)
۶. ایمان ﴿ان الله لهاد الذین امنوا الی صراط مستقیم﴾ (۵۴/حج)
۷. اعتصام به خدا ﴿ومن یعتمر بالله فقد هدی الی صراط مستقیم﴾ (۱۰۱/آل عمران)
۸. اعتقاد به خالقیت {هدمند} خدا ﴿الذی خلقنی فهو یهدین﴾ (۷۸/شعراء)
۹. اعتقاد به معیت خدا با انسان ﴿... ان معی ربی سیهدین﴾ (۶۲/شعراء)
۱۰. اعتقاد به فاطریت خدا ﴿الا الذی فطرنی فانه سیهدین﴾ (۲۷/زخرف)
۱۱. تبعیت از رضوان الهی ﴿یهدی به الله من اتبع رضوانه...﴾ (۱۶/مائده)

۱۲. اتمام نعمت از طرف خدا ﴿... ویترنعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما﴾ (۲/فتح)
۱۳. تبعیت از رسول ﴿... واتبعوه لعلکم تهتدون﴾ (۱۵۸/اعراف)
۱۴. اطاعت از رسول ﴿... وان تطیعوه تهتدوا...﴾ (۵۴/نور)
۱۵. تبعیت از کسی که خودش هدایت یافته ﴿... امن لایهدی الا ان یهدی...﴾ (۳۵/یونس)
۱۶. انذار رسول ﴿... لتتذرقوما... لعلهم یهتدون﴾ (۳/سجده)
۱۷. جهاد و تلاش در راه خدا ﴿والذین جامدوا فینا لنهتدینهم سبلنا...﴾ (۶۹/عنکبوت)
۱۸. حرکت به سمت خدا ﴿وقال انی ناهب الی ربی سیهدین﴾ (۹۹/صافات)
۱۹. انابه و بازگشت بسوی خدا ﴿... ویهدی الیه من اناب﴾ (۲۷/رعد)
۲۰. تلاوت قرآن توسط پیامبر (ص)، ﴿وان اتلوا القرآن فمناهدی فانما یهدی لنفسه...﴾ (۹۲/نمل)
۲۱. تبیین آیات ﴿... کذلک ینبیین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون﴾ (۱۰۳/آل عمران)
۲۲. هادی امت ﴿انما انت منذر ولکل قوم هاد﴾ (۷/رعد)
۲۳. اقتداء به هدایت هادیان ﴿اولئک الذین هدی الله فبهدهم اقتده...﴾ (۹۰/انعام)
۲۴. غفران الهی ﴿... لم یکن الله لیغفر لهم ولا لیهدیهم سییلا﴾ (۱۳۷/نساء)
۲۵. اجتناب الهی {گزینش}، ﴿... واجتنبیناهم وهدیناهم الی صراط مستقیم﴾ (۸۷/انعام)

ج. آثار و برکات هدایت خدا

۱. جلب مغفرت الهی ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ (۸۲/طه)
۲. فلاح و رستگاری ﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (۵/بقره)
۳. در معرض سلام خدا قرار گرفتن ﴿... وَالسَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى﴾ (۴۷/طه)
۴. عدم ترس و اندوه ﴿... فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (۳۸/بقره)
۵. افزایش هدایت و کسب تقوی ﴿وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ﴾ (۱۷/محمد)
۶. خشیت الهی ﴿وَأَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى﴾ (۱۹/نازعات)
۷. اصلاح بال ﴿سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ﴾ (۵/محمد). «به زودی آنان را به راه سعادت رهنمون می‌شود و با آمرزش گناهان‌شان حال‌شان را نیکو می‌کند».

«مراد از اصلاح بال، زنده کردن ایشان است به حیاتی طیب که شایسته‌شان کند برای حضور در نزد پروردگارشان، حیاتی که با کنار رفتن پرده‌ها حاصل می‌شود. در «مجمع البیان» گفته: علت اینکه در این چند آیه دو بار از اصلاح بال سخن به میان آمده این است که مراد از اولی اصلاح دل آنان در دین و دنیا و در دومی اصلاح حال‌شان در نعیم آخرت است، پس در حقیقت اولی سبب نعیم است، و دومی خود نعیم» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۳۶۳/۱۸).

۸. جزو مهتدین شدن ﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ...﴾ (اسراء/۹۷)
۹. عدم گمراهی و شقاوت ﴿...فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ (طه/۱۲۳)
۱۰. خروج از تسلط گمراهگران ﴿وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ...﴾ (زمر/۳۷)
۱۱. سنگین نشمردن احکام و امتحان خدا ﴿...وَلَنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ...﴾ (بقره/۱۴۳)

د. نشانه‌ها و ویژگی‌های هدایت‌یافتگان

جهت درک مفهوم هدایت، توجه به ویژگی هدایت‌یافتگان مفید و حتی لازم خواهد بود. در این قسمت به ۱۱ مورد آن اشاره می‌شود:

۱. حمد و سپاس خدا و هدایت را از عنایات خدا دیدن ﴿...وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ...﴾ (اعراف/۴۳).
۲. عدم تبعیت از هوی و هوس ﴿...قُلْ لَا اتَّبِعْ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذْ أَقْبَلْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ الْبَاطِلَةَ...﴾ (انعام/۵۶). «بگو پرستش غیر خدا برخاسته از هواهای نفسانی شماسست و من از هواهای شما پیروی نمی‌کنم، چراکه در این صورت گمراه شده و از ره یافتگان نخواهم بود».
۳. جز از خدا از هیچ کس نترسیدن ﴿... وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ (توبه/۱۸).

در این آیه نیز نترسیدن از غیر خدا از ویژگی مهتدین ذکر شده است.

۴. اولو الألباب ﴿الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَاللَّهُ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يُكَلِّمُ﴾ (زمر/۱۸).

- در این آیه یکی از ویژگی صاحبان خرد برخورداری از هدایت خدا بیان شده است.
۵. امر به تقوای الهی ﴿ارایت ان كان على الهی. او امر بالتقوی﴾ (۱۱ و ۱۲/علق).
- در این آیات نیز دعوت به پرهیزکاری از ویژگی اهل هدایت محسوب شده است.
۶. امنیت الهی ﴿الذین آمنوا ولم یلبسوا ایمانهم بظلم أولئک لهم الأمان وهم مهتدون﴾ (۸۲/انعام). «کسانی که به یکتایی خدا در تدبیر جهان ایمان آورده و ایمان شان را با هیچ ستمی نپوشانده و بی اثر نکرده اند آنان اند که ایمنی دارند و آنان هدایت یافتگان اند».
- «ظلم خروج از حد وسط (که همان عدل است) می باشد و دارای درجاتی است که در رأس آنها شرک قرار دارد. ظلم در آیه به معنای مطلق مواردی است که برای ایمان مضر بوده و آن را فاسد و بی اثر می سازد، هم چنانکه "امن" نیز به معنای مطلق ایمنی از شقاوت و عذاب است» (طیب، ۱۳۷۰: ۷).
۷. در معرض صلوات و رحمت الهی قرار گرفتن ﴿اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة و اولئک هم المهتدون﴾ (۱۵۷/بقره).
- صلاة خدا نسبت به بنده اش، انعطاف و برگشتن خدا به سوی بنده است تا به وی رحمت کند... و به صیغه "مهتدون" آورد تا به قبول هدایت اشاره کرده باشد، که فرع هدایت است» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱/۵۴۳).
۸. آرامش و نرم دلی ﴿... ثم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ذلک هدی الله یهدی به من یشاء...﴾ (۲۳/زمر). «... سپس پوست شان و دل شان به یاد خدا نرم می گردد و بدان آرامش می یابد. این است هدایت خدا که هر کس را بخواهد بدان راه می نماید».
- مقصود بیان یکی دیگر از ویژگی های هدایت الهی و هدایت یافتگان است.
- «از شنیدن آیات این قرآن لرزه بر اندام خاشعان از پروردگار می افتد (و مو بر تن شان راست می شود)، سپس پوست و قلب شان، برون و درون شان نرم و آماده پذیرش ذکر خدا می گردد، و آرام و مطمئن می شود. چه ترسیم جالب و زیبایی از نفوذ عجیب آیات قرآن در دل های آماده، نخست در آن خوف و ترسی ایجاد می کند، خوفی که مایه بیداری و آغاز حرکت است، و ترسی که انسان را متوجه مسئولیت های مختلف اش می سازد. در مرحله بعد حالت نرمش و پذیرش سخن حق به او می بخشد و به دنبال آن آرامش می یابد» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۹/۴۵۳).

۹. ذکر الهی ﴿... وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ. ۱۹۸- بقره﴾. (... و به شکرانه هدایتان او را یاد کنید، چون قبل از هدایت او، از گمراهان بودید).
۱۰. شکر و تکبیر خدا ﴿... وَتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (۱۸۵/بقره). { ... و تا خدا را به جهت اینکه هدایتان کرد بزرگ شمارید و تکبیر گوید و شاید شکر گزاری کنید }.
۱۱. توکل بر خدا ﴿وَمَالِنَا لَا تَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَمَمْنَا سَلْنَا...﴾ (۱۲/ابراهیم). { چرا ما به خدا توکل نکنیم، در صورتی که او ما را به راههایی که می‌رویم هدایت نمود }.

هـ وضعیت قبل از هدایت

آخرین موضوعی که در تشخیص مفهوم هدایت می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، وضعیت قبل از هدایت انسان‌هاست:

۱. تاریکی و ظلمت ﴿إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ أَوْ أَجْدٍ عَلَى النَّارِ هُدًى﴾ (طه/۱۰). یعنی راهنمایی وقتی محقق می‌شود که ظلمتی وجود داشته باشد.
۲. غفلت و بی‌خبری ﴿هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (۲۰/جاثیه).
یعنی کتاب و آیین سبب بصیرت و هدایت است، پس مردم قبل از آن معمولاً در وضعیت عدم بصیرت قرار دارند.
- «این شریعتی که تشریح شده، و یا این قرآنی که مشتمل بر شریعت است. اگر مردم به آن عمل کنند آن‌ها را بینا ساخته، و به وسیله آن به راه حق هدایت می‌شوند» (طباطبایی: ۱۸/۲۷۴).
۳. کوردلی ﴿وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى ...﴾ (۱۷/فصلت). «و اما ثمودیان، پس ما آنان را راه نمودیم ولی آنان کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند».
- این آیه نشان می‌دهد که قوم ثمود قبل از عرضه هدایت تشریحی خدا دچار کوردلی بوده و به سبب سوء اختیارشان آن را بر هدایت ترجیح داده‌اند، لذا می‌توانستند با قبول هدایت الهی از آن حالت رهایی یابند.

«مراد از "عمی" گمراهی است، که به استعاره آن را کوری نامیده. و در اینکه در مقابل کوری هدایت را قرار داده، اشاره‌ای است که هدایت خود برای انسان بینایی است، هم‌چنانکه ضلالت کوری است» (طباطبایی: ۱۷/ ۶۰۲).

۴. بیماردلی و ناشنوایی نسبت به حقیقت ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَمَّاوَاهُ وَيُشْفَى وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقُرُوعِهِمْ عَلَيْهِمْ عَمًى﴾ (۱۷/ فصلت): «بگو این کتاب برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمودی است و بیماری شک و تردید آنان را شفا می‌بخشد. و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوش‌های‌شان سنگینی است».

یعنی قرآن که سبب هدایت و شفای اهل ایمان است، غیر مؤمنان در وضعیتی قرار دارند که نه سخن حق را می‌شنوند و نه حجتی را به خرد می‌پذیرند.

۵. ترس و اندوه ﴿...فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (۳۸/ بقره). «کسانی که رهنمود مرا پیروی کنند، نه ترسی آنان را فرا می‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند». پس در صورت عدم پیروی از هادیان آسمانی، مردم همواره گرفتار بیم و اندوه‌اند. وضعیت امروز جامعه بشری گواه صادق این واقعیت است.

۶. گمراهی و تیره‌بختی ﴿... فِيمَا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾ (۱۲۳/ طه).

بدیهی است که در صورت عدم پیروی از هادیان الهی، مردم همواره در گمراهی و تیره‌روزی‌اند.

نتیجه بحث

"هدایت" رسیدن به نورانیت درونی با تعمیق باور دینی و راهیابی به راه انسانیت (فطرت) یا همان صراط مستقیم است که عاری از هرگونه کجی و آلودگی بوده، و لازمه آن باورداشت خالقیت هدفمند هستی و بهره‌گیری از کتاب الهی و تبعیت از هادیان و رسیدن به مقام شرح صدر و قبول اسلام می‌باشد. انسان‌ها قبل از هدایت در وضعیت ظلمت و بی‌خبری قرار داشته و نسبت به حق و حقیقت بی‌اعتنا بوده و همواره دچار ترس و اندوه و غرق در تیره‌روزی‌اند.

و "مهمتدین" همان اولو الألباب یعنی واصلان به وادی امن الهی‌اند که پیوسته با ذکر و تعظیم خدا در معرض نسیم رحمت ویژه الهی قرار داشته و دل‌های‌شان به یاد حق در آرامش است؛ و با حرکت و تلاش و توجه به خدا از هرگونه کژراهی بازگشته و با کسب مغفرت الهی به دنبال این هدف مقدس و رسیدن به معنویت پایداراند.

و انسانی که به مرحله مهمتدین نرسیده و یا در مسیر "اهتدا" قرار نگیرد، جزو خارج‌شدگان از امر الهی و زیانکاران بوده (۲۶/حدید، ۱۷۸/اعراف) و کسی را یارای کمک و دستگیری او نخواهد بود (۱۷/کهف).

کتابنامه

قرآن کریم.

- تاجدینی، علی. ۱۳۸۱، فرهنگ جاودان المیزان، مهاجر: قم.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹، هدایت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۶، المیزان، قم: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
- طیب، عبدالحسین. ۱۳۷۴، تفسیر اُطیب البیان، ج ۷، تهران: اسلام.
- عبدالباقی، محمد فواد. بی تا، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، بی جا: انتشارات اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۸۷، قاموس قرآن، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مستشاری، علی رضا. ۱۳۸۸، تفسیر آیات برگزیده، ج ۲، قم: دفتر نشر معارف.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۸۴، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مقالات

- امامی، محمد. ۱۳۸۰، «بازکاوی هدایت و ضلالت در قرآن»، آموزه‌های فقهی، ش ۱، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی: صص ۷۷-۹۹.
- سجادی، سید ابوالفضل و فریبا هادی فر. ۱۳۹۱، «معناشناسی واژه "هدی" در قرآن کریم»، نشریه حسنا، قم، ش ۱۲: صص ۱۲۲-۱۵۷.